حقوق زن

صالح، علی رضا

-3- \*زن در مصر قدیم-در قباله ازدواج مصریهای قدیم،اطاعت کامل مرد از زن ثبت میشد!

\*زن در هند قدیم-ازدواج در عرف مردان هند قدیم در حکم خریدن زن بود!

\*زن در چین قدیم!زن چینی پس از مرک شوهرش انتحار میکرد و این نشانه وفاداری بود!

\*زن در ژاپن قدیم-در ژاپن زمانی زنان بسلطنت میرسیدند و زمانی معتقد بودند که:مرد باید زنرا چون زهرآگینی بکوبد!!!

\*زن در رم قدیم-پدر خانواده روم قدیم میتوانست زن و دختر خود را بفروشد،قرض و کرایه بدهد و حتی بکشد!!

\*زن در یونان قدیم-پدر«دموستن»خطیب مشهور یونانی،مادر او را بیکی از دوستانش‏ هبه کرد!!

حقوق زن در مصر قدیم

زنان مصر باستان از عالیترین مزایای‏ اجتماعی و حقوقی زمان خود برخوردار بوده‏اند. چنانکه شاید هنوز هم زنان بسیاری از کشورهای‏ جهان کنونی بر مقام و منزلتی که آنان داشته‏اند،غبطه‏ برند.بقول«ماکس مولر»محقق معروف آلمانی در جهان،هیج ملت نوخاسته و یا کهنسالی را نمیتوان‏ یافت که در آن،مقام و مرتبه زن بپایه و منزلتی که‏ زنان وادی نیل داشته‏اند،رسیده باشد»

زنان مصری در اجتماع خود از آزادی و حقوق‏ بسیاری بهره‏مند میشده‏اند یکی از مورخان و سیاحان‏ نامدار یونان باستان«دیودوروس سیکولوی»در سفرنامه‏ای که پس از دیدار از مصر قدیم،تهیه کرده‏ مینویسد:«یکی از شرایطی که در قباله ازدواج‏ مصریها ثبت میشود،اطاعت کامل مرد از زن است»شاید این نمونه شورانگیزی از آن امتیازی باشد که‏ زنان در مصر قدیم بر مردان داشته‏اند.«ویل دورانت» نیز در این‏باره میگوید:زنان مصر قدیم در زندگی‏ زناشوئی و خانوادگی خود دارای قدرت مطلقه و و کاملی بوده‏اند بنحویکه حق فسج نکاح و طلاق از حقوق انحصاری و اختصاصی آنان بشمار میآمده‏ است.گرچه بهنگام غلبه اقوام یونانی بر مصر، این حقوق از زنان مصری سلب شد و بدست مردان‏ افتاد،معهذا سالیان درازی قاطبه زنان طبقات‏ پائین جامعه مصر قدیم از این حقوق برخوردار بوده‏اند:

حقوق زن در هند قدیم

با آنکه تمدن هند در عهد باستان یکی از درخشانترین و پیشرفته‏ترین تمدن‏های دوران‏ کهن بشمار میآمده است،معهذا زن هندی از حقوق‏ و مزایای اجتماعی کافی برخوردار نبوده است؛ چنانکه همواره بسلطه و اراده مرد گردن نهاده است و شوهر خود را خدا،و سرور خود میدانسته.

ویل دورانت میگوید«طول مدت ازدواج،ننک‏ مرد هندی بشمار میرود،ازدواج در عرف مردان‏ هندی یعنی خریدن زن.»

تعدد زوجات در ایام قدیم بین مردان فرق‏ مختلف هند و رسم بوده است.وفاداری زنان هندی‏ ناشی از سنن مذهب بودائی است چنانکه هنوز هم‏ پیروان بعضی از فرق بودائی در مرک‏شوی خود، خویشتن را میتراشند و بقیه عمر را بیوه باقی‏ سرشان را میتراشند و بقیه عمر را بیوه باقی‏ میمانند.

در ایام گذشته زن هندی حتی از حقوق مالکیت‏ بی‏بهره بوده است و تنها میتوانسته مالک جهیز و هدایای شب زفاف باشد.

حقوق زن در چین باستان

شاید بجرات بتوان زن چینی را محروم‏ترین‏ و بی‏ارزش‏ترین زنان جهان در تمدن‏های کهن‏ دانست.

در چین باستان دختر یا زن صاحب هیچ حقی‏ نبوده است و مادران چینی همواره آروزی داشتن‏ پسر میکردند و اگر صاحب دختر میشدند احساس‏ سرافکندگی و شرمساری مینمودند.آنها با توجه‏ بارزش پسران در کشتزارها و میدان‏های جنک‏ وجود دختران را سربار خانواده تلقی مینمودند. احساس حقارت از داشتن دختر چنان در روح و جان‏ خانواده‏های قدیم چینی رسوخ کرده بود که بقول‏ ویل دورانت«هرگاه هنگام سختی و تنگدستی بر تعداد دختران خانواده‏ای افزوده میشد امکان‏ داشت نوزاد بیگناه را بسرما و شب بسپارند تا جان‏ بدهد»در زندگی زناشوئی چینی‏ها نیز زن بهیچوجه‏ مقامی برتر و بهتر از دوران درشیزگی خود نداشت‏ و شوهر چون برده‏ای با او رفتار میکرد.

مرد میتوانست از مصاحبت زنان متعددی‏ برخوردار شود و در صورتی که زن عقیم میبود باید شخصا برای شوهرش زن تازه‏ای بگیرد و مرد حق‏ داشت بکوچکترین بهانه‏ای زن خود را طلاق دهد و هر زمان که اراده کند زن و فرزندان خود را چون‏ کنیز و برده بفرشد.ازدواج زن پس از مرک شوهر عملی مذموم و ناپسند بود و بیوه‏زنان برای ابراز وفاداری نسبت بشوهرشان پس از مرک آنها انتحار میکردند.

حقوق زن در ژاپن قدیم

اجتماع قدیم ژاپن را از لحاظ حقوق زن‏ میتوان به سه دوره مشخصی تقسیم کرد.بدین معنی که تا اواخر قرن هشتم میلادی زن ژاپونی نیز مانند زن‏ چینی از هیچگونه امتیاز و حقوقی برخوردار نبود و پیوسته تحت سلطه و اطاعت مرد قرار داشت. ویل دورانت در اینباره در کتاب تاریخ تمدن خود چنین میگوید«در این دوران زن ژاپنی‏ ناچار بود از سه کس فرمانبرداری کند پدر،پسر و شوهر»شوهر فرمانروای مطلق و خداوندگار زن‏ بود و هرگاه همسرش باو خیانت میکرد حق داشت‏ معشوقش را بقتل برساند و حتی در صورتیکه مرد معشوق زن را نمیکشت خود واجب القتل‏ میگردید.نازائی زن موجب طلاق از طرف شوهر میشد و شوهر میتوانست بسادگی زن خود را طلاق‏ دهد از اواخر قرن هشتم میلادی ببعد بر اثر عواملی‏ که بحث درباره آن از حوصله این مقاله کوتاه خارج‏ است بر اعتبار و مقام زن افزوده شده چنانکه تنی‏ چند از زنان بسلطنت رسیدند و چینی‏ها به ژاپن‏ لقب کشور ملکه‏ها دادند و این وضع سیصد و پنجاه‏ سال بطول انجامید تا اینکه در اواخر قرن 12 میلادی بر اثر رواج و نفوذ مذهب بودا-که مقرر میداشت«مردان نه فقط بایستی از زن احتراز کنند بلکه لازمست چون مار زهرآگینی او را بگویند-وضع دوباره بحال سابق برگشت و قدرت‏ زن ژاپونی روبزوال گذاشت.

زن در روم قدیم

روم باستان درخشانترین تمدنهای دوران‏ کهن دانسته شده است.زمانیکه حکومت‏هی مطلقه بر سراسر جهان متمدن آنروز حکومت میکردند و حکام مستبد هیچ حقی برای اتباع خود نمیشناختند در رم حقوقدانان و سخنرانانی چون سیسرون،پلین‏ و دیگران دم از آزادی و دموکراسی میزدند و مردم روم از حقوق مدنی و سیاسی بسیاری بهره‏مند بودند.حقوقی که پایه حقوق امروزی اغلب‏ کشورهای اروپائی و بخصوص کشورهای لاتن است‏ و در دانشکده‏ها و موسسات حقوقی جهان تعلیم و تدریس میشود.ولی باید دانست که تمام این حقوق‏ و امتیازات تنها از آن مردان و مختص به آنان بوده است.